

### چالش‌های عمده توسعه روستایی (مطالعه موردی استان کردستان)

#### چکیده:

فرایند توسعه در کشورهای درحال توسعه، این امر را معلوم ساخته که توسعه روستایی ضرورتی بنیادین برای توسعه ملی است و می‌باید در اولویت برنامه‌های توسعه‌ای قرار گیرد. روستاهای استان کردستان از نظر توسعه در محیطی ناپایدار و از نظر جغرافیایی در سکونتگاه‌هایی تقریباً کوچک و پراکنده زندگی می‌کنند. حدود ۴۰/۵۱ درصد جمعیت استان در روستاها زندگی می‌کنند و بیش از ۶۸ درصد جمعیت روستایی در نقاطی کمتر از ۳۰۰ نفر؛ یعنی کمتر از حد میانگین جمعیت روستایی کشور زندگی می‌کنند. استان کردستان یکی از استان‌های توسعه نیافته کشور است و به نظر می‌رسد که توسعه روستایی در این استان با چالش‌هایی جدی روبه‌روست. برای شناخت بهتر از وضعیت موجود دیدگاه‌های کارشناسی ۴۱ نفر از صاحب‌نظران توسعه در استان، دیدگاه‌های آنها را در پنج بخش اقتصادی، مدیریتی و برنامه ریزی، اجتماعی، اکولوژیک، فیزیکی و کالبدی و براساس آنالیز عاملی مورد سنجش قرار داده‌ایم و بر همین اساس نتایج عمده چالش توسعه استان در دو بعد طبیعی و انسانی به ترتیب اولویت عبارتند از: اقتصادی، ۸۰/۸۰ درصد، کالبدی- فیزیکی ۰/۸۰ درصد، محیطی و اکولوژیک ۰/۷۴ درصد، مدیریت برنامه ریزی ۰/۷۰ درصد، اجتماعی ۰/۶۹ درصد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، روستا، کردستان.

**مقدمه:**

قرن بیست و یکم در شرایطی آغاز شده که هنوز برنامه توسعه روستایی در کشورهای درحال توسعه با مسائل و مشکلات متعددی مواجه است و باید برای آنها راه حل‌های مناسب جستجو کرد. براساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ بیش از ۷۰ درصد گرسنگان جهان روستایی بوده‌اند (World Bank: ۲۰۰۶). همین گزارش می‌افزاید که جمعیت روستایی جهان در سال ۲۰۰۵ از ۵۱/۴ درصد به ۴۹/۴ درصد در سال ۲۰۱۰ کاهش خواهد یافت.

چرخه مهاجرت‌های روستایی به شهرها و فقر حاکم بر روستا، مبین این موضوع است که راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته است امنیت غذایی و پایداری محیط زیست را تأمین کند. این مسائل باعث گردیده که بار دیگر کشورهای مختلف دنیا موضوع توسعه روستایی را مورد توجه و بازنگری قرار دهند. این گونه تنگناها و وجود نارسایی‌ها در روند توسعه روستایی ضرورت بازنگری اساسی در مفاهیم، نظریه‌ها و تجربیات توسعه را حیاتی می‌سازد تا در سایه آن، بتوان الگویی مناسب، جامع و سازگار با مجموعه شرایط کشور، به منظور ارائه خط مشی‌ها و راهکارهای اجرایی برای توسعه روستایی پی‌ریزی کرد.

کشور ما پس از انقلاب اسلامی، شاهد مهاجرت‌های گسترده از سوی روستاییان بوده است؛ به طوری که بنا به روایت آمار، نسبت جمعیت روستایی از ۴۹ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۳۱/۵۲ درصد در سال ۱۳۸۵ کاهش یافته است (سالنامه آماری: ۱۳۸۶: ۱۲).

در زمینه توسعه روستایی، در کشورمان برنامه ریزی‌ها و راهبردهای مختلفی اجرایی شده، لیکن تجربیات ۳۰ سال گذشته به ما نشان می‌دهد که این راهبردها چندان موفقیت آمیز نبوده‌اند. به نظر می‌رسد یکی از دلایل عمده در این فرایند، عدم حضور و مشارکت متخصصان امور توسعه روستایی در رشته‌های مختلف به صورت هماهنگ و سازمان یافته باشد. از طرف دیگر، فقدان انسجام دیدگاه‌های راهبردی از سوی متخصصان امور توسعه

روستایی موجب گردیده است که روستا و توسعه روستایی در کشور از انسجام دیدگاه واحد و کارآمدی برخوردار نباشد.

از آنجایی که نظام برنامه ریزی کشور، طی چند دهه گذشته متمرکز بوده، اما روند توسعه روستایی کشور و به تبع آن توسعه استان کردستان کارآمد نبوده است و این استان همواره با مسائل و مشکلات خاصی روبه‌روست که به مهاجرت‌های گسترده و گسترش حاشیه نشینی در سطوح شهرهای میانی استان، بخصوص در شهر سنندج منجر گردیده است. در این راستا، در سال ۱۳۷۵ جمعیت روستایی استان کردستان معادل ۴۷/۵۸ درصد بوده که در سال ۱۳۸۵ این رقم به ۴۰/۵۱ درصد کاهش یافته است. از طرف دیگر، با توجه به منابع آب و خاک و شرایط اقلیمی مناسب در استان کردستان، میانگین جمعیت روستایی استان کردستان در سال ۱۳۸۵ معادل ۳۳۷ نفر بود که این رقم نسبت به میانگین کل کشور که معادل ۳۴۸ نفر است رقم پایینی محسوب می‌گردد (سالنامه آماری: ۱۳۸۵: ۲۱). در این تحقیق، کوشش شده است موضوع توسعه نیافتگی و ناپایداری روستاهای استان کردستان از زبان کارشناسان و متخصصان امور توسعه روستایی استان، ارزیابی و بررسی گردد زیرا باور براین است که برای رسیدن به معرفت توسعه باید از طریق علم باوری، انسان باوری و آینده باوری، راه‌های توسعه نیافتگی را جستجو کرد.

### مواد و روش‌ها:

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی و میدانی است. داده‌های مورد نیاز از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری متشکل از ۴۱ نفر، شامل کارشناسان شاغل در دانشگاه‌ها، جهاد سازندگی، بنیاد مسکن، کارشناسان معاونت برنامه ریزی استانداری (سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق) استان بودند، که پس از جمع‌آوری داده‌ها، طبقه بندی و سپس از طریق نرم افزار spss به روش تحلیل عاملی تجزیه و تحلیل شده است.

**تعریف توسعه روستایی:**

تعاریف متعددی از توسعه روستایی وجود دارد. هرچند این تعاریف مؤلفه‌های مشترک فراوانی را در خود دارند، لیکن از تفاوت‌های مشهودی نیز برخوردارند که این تفاوت‌ها از بینش نظری و سطح تحلیل و بررسی اختیار شده برای تبیین موضوع ناشی شده است. با وجود این، به برخی از تعاریف اشاره می‌گردد:

**بانک جهانی**، توسعه روستایی، راهبردی است که برای بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی مردم فقیر روستایی طراحی شده است. از آنجایی که توسعه روستایی در واقع عاملی برای کاهش فقر است، از این رو باید به شیوه بسیار روشن و مناسبی برای افزایش تولید و بالا بردن بهره‌وری تلاش شود. اغلب دانشمندان که با مسایل شهری و روستایی در ارتباط‌اند، اعتقاد دارند باید در روستاها تحولی بنیادین ایجاد گردد و تنها راه حل، ارتقای سطح زندگی مردم و توسعه همه‌جانبه روستاهاست (مهندسان مشاور DHV ۱۳۷۵:۶۵).

**دیاسن**: وی معتقد است توسعه روستایی، راهبردی است که به منظور بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه خاصی از مردم (روستاییان فقیر) طراحی شده است. این فرایند شامل بسط منافع توسعه در میان فقیرترین اقشاری است که در مناطق روستایی در پی کسب معاش هستند. این گروه شامل کشاورزان خرده‌پا، خوش‌نشینان و کشاورزان بی‌زمین است (پاپلی یزدی، ابراهیمی، ۱۳۸۱:۷۳). در نتیجه، توسعه روستایی شامل فرایند عمیقی از تغییرات در کل جامعه است. این فرایند روشی برای افزایش فرصت‌های قابل دسترسی برای فرد و افزایش امکانات بهره‌وری از آنهاست.

**عنایت الله**، وی برای توسعه روستایی از مؤلفه‌هایی چون افزایش بازدهی کشاورزی، دگرگونی در نسبت‌های بیکاری و میزان اشتغال، دگرگونی در توزیع درآمد، دگرگونی در مالیات ارضی، دگرگونی در هرم قدرت، و تحول در الگوهای مشارکت در تصمیم‌گیری، افزایش در تحرک اجتماعی که موجب تغییر در نظام قشر بندی و قدرت و

نیز دگرگونی در شاخص‌هایی چون سطح تحصیلات، دسترسی به امکانات آموزشی، نسبت به جمعیت پزشک، تعداد درمانگاه‌ها، وضع سکونت، راه‌های روستایی، برق رسانی، تغذیه و نیز دگرگونی در ارزشها، باورها و گرایش‌ها می‌گردد، یاد می‌کند (از کیا، ۱۳۷۰: ۱۵۴).

**کپ،** وی توسعه روستایی را به عنوان فرایندی که از طریق کوشش‌های جمعی در پی بهبود در بهزیستی و خودیابی مردمی است که در خارج از مناطق شهری زندگی می‌کنند، تعریف کرده است. به نظر او، هدف توسعه روستایی باید بسط و گسترش دامنه فرصت‌ها برای مردم روستایی باشد (از کیا، ۱۳۷۰: ۶۵).

در بیان فضای مفهومی توسعه روستایی، به این نکته باید اشاره شود که در دوره اخیر توسعه روستایی در قالب توسعه مشارکتی نیز مطرح شده که در بردارنده ابعاد توسعه روستایی یکپارچه و مشارکت مردم است.

**یاداو:** معتقد است که افزایش تولید و بهره‌وری، برابری در دسترسی به فرصت‌های کسب درآمد، دسترسی به خدمات عمومی و دسترسی به نهادهای تولیدی، اشتغال‌سودمند، اعتماد به نفس، مشارکت مردم در فرایند توسعه و توازن بوم‌شناختی، هدف‌هایی وابسته به یکدیگرند که برداشت یکپارچه از توسعه روستایی را مطرح می‌کنند (مطیعی، ۱۳۸۲: ۹۴).

می‌توان گفت: توسعه روستایی فرایندی چند بعدی است که هدف آن بهبود و ارتقای کیفیت زندگی اقشار فقیر و آسیب‌پذیر روستایی است. توسعه روستایی فرایندی است که با بهره‌گیری از ساز و کارهایی چون برنامه‌ریزی، سازماندهی، تقویت خوداتکایی فردی و جمعی، ایجاد دگرگونی در ساختارهای ذهنی و اجتماعی روستاییان و تلاش در بالا بردن استفاده بهینه از قابلیت‌ها و منابع محلی از طریق مشارکت مردمی تکمیل می‌گردد.

**ضرورت و اهمیت توسعه روستایی:**

پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه نشینی شهری و مانند آنها، موجب توجه به توسعه روستایی شده است. به نظر **مایکل تودارو** « ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری، به این علت نیست که اکثریت جمعیت جهان سوم در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسأله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است. با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم در تلاش‌هایی که برای توسعه ملی صورت می‌گیرد و بهره‌مند شدن از مواهب آن، کشورهای در حال توسعه، گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه برخواهند داشت» (تودارو، ۱۳۶۶:۴۵).

**فریدمن و ویتز**، از صاحب نظران مکتب روهوت هستند که در چهارچوب توسعه همه جانبه روستایی، به طرح الگوهایی چون توسعه روستایی- شهری می‌پردازند و توسعه روستایی را فراتر از توسعه شهری در نظر می‌گیرند و توسعه ملی را در گرو توسعه روستایی می‌دانند. از طرفی، در طرح ایده محور بودن انسان در فرایند توسعه، ضرورت توجه به مناطق روستایی که از نیروی عظیم انسانی برخوردار هستند، مطرح می‌گردد انسان هم به عنوان هدف و هم به عنوان مهم‌ترین ابزار توسعه به شمار می‌رود. در مناطق روستایی این نیروی انسانی که از آن به عنوان بخش مردمی یاد می‌شود به صورت سازمان نیافته و غیر متمرکز وجود دارد، همچنین، اگر بهره برداری از نیروی کار مازاد در جوامع روستایی را به عنوان عنصری موثر در فرایند توسعه ملی لحاظ کنیم، نقش توسعه روستایی در فرایند توسعه ملی باید جایگاه و اهمیت خود را پیدا کند. به نظر **افف**، حوزه فعالیت در توسعه روستایی شامل پنج بخش است که عبارتند از:

۱- مدیریت منابع طبیعی؛

۲- امور زیربنایی روستایی؛

۳- مدیریت منابع انسانی؛

۴- توسعه کشاورزی؛

۵- توسعه فعالیت‌های غیر کشاورزی.

به نظر او این بخش‌ها باید در چهارچوب راهبرد توسعه نهادی مورد اهتمام قرار گیرند(تریکار، ۱۳۷۱:۱۵۴).

### تحولات و رویکردهای مربوط به توسعه روستایی در ایران:

در خصوص روند تحولات روستایی در ایران می‌توان گفت در گذشته روستاهای کشور وضعیت نسبتاً پایداری داشتند و در دهه واپسین قرن نوزدهم به تدریج در اوضاع و احوال تازه ای قرار گرفتند. تحولات قرن بیستم چهره روستاها و شیوه زندگی و روابط اجتماعی روستاییان را ابتدا به آرامی و آنگاه با شتاب بیشتری دگرگون کرد. این تحول از هنگامی آغاز شد که اقتصاد ایران به اقتصاد توانمند وسلطه جوی جهانی پیوند خورد و بخش کشاورزی و جامعه روستایی نیز در انطباق و همسازی با اوضاع و احوال جدید در مسیر دگرگونی قرار گرفت(اشرف، ۱۳۶۱:۴۹). بر اثر این دگرگونی‌ها روابط سنتی شهر و روستا نیز دست‌خوش تغییر گردید و با رشد و توسعه بازار کار و تجارت در شهرها و رشد شتابان جمعیت در مناطق روستایی، مهاجرت روستاییان به شهرها شدت بیشتری به خود گرفت. با ورود مصنوعات شهری و کالاهای خارجی به روستاها به تدریج خودکفایی نسبی روستاها از هم پاشیده و با رشد نسبی کشاورزی تجاری در روستاها زمینه برای دگرگونی‌های سریع در دهات ایران فراهم شد(کلانتری، ۱۳۸۵:۱۰۶).

نقطه‌ای که می‌توان به عنوان مبدأ فعالیت‌های قانونمند برای انجام اقداماتی جهت توسعه کشور و به ویژه توسعه روستایی در نظر گرفت، همان آغاز انقلاب مشروطه؛ یعنی سال ۱۲۸۳ است. در انقلاب مشروطه با اینکه نیاز به تغییرات بنیادی در ساخت اجتماعی

و اقتصادی احساس می‌شد، ولی انقلابیون متاسفانه بیشتر به ساخت سیاسی مملکت توجه داشتند (مهدوی: ۱۳۷۷: ۳۴).

با روی کار آمدن رضا شاه در سال ۱۲۹۹ هـ.ش، در زمینه توسعه روستایی قوانین و مقرراتی تصویب و در بعضی مناطق نیز اجرا شد ولی تحول ساختاری چندانی در امور روستا پدید نیامورد (مطیعی: ۱۳۸۲: ۵۱).

گرچه نخستین گام در زمینه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی - اجتماعی در سال ۱۳۱۶ با تأسیس شورای عالی اقتصاد برداشته شد (حاج یوسفی: ۱۳۸۰: ۷)، اما ایران در سال ۱۳۲۷، بطور رسمی دارای برنامه عمرانی و سازمان مسؤل اجرای آن گردید (توفیق: ۱۳۵۹: ۱۷). از این سال تا سال ۱۳۵۶، کلاً پنج برنامه که به صورت دو برنامه هفت ساله و سه برنامه پنج ساله بوده، اجرا گردید.

در پی بروز ضعف‌ها و ناتوانی‌های برنامه عمرانی روستایی، روش‌های برنامه‌ریزی مکانی به عنوان اولین گام برنامه‌ریزی منطقه‌ای توسط آر، پی، میسرا به سازمان برنامه پیشنهاد داده شد. از مهمترین ویژگی برنامه پیشنهادی فوق، پیوستگی تولید و اقتصاد با خدمات عمرانی از یک طرف و تمرکز فعالیت‌ها در سطوح مختلف سلسله مراتب با گرایش غیر متمرکز بود. براساس این نظریه، پیش از آنکه عمران روستایی انجام پذیرد، باید هم برنامه‌ریزی منطقه‌ای (شهرستان) و هم سلسله مراتب خدمات، سازمان داده شود (از شهرهای بزرگ تا روستاهای کوچک) و همچنین، از طریق گروهی مشاوران خارجی که در آن دوره در خدمت برنامه ریزان ایران بودند مانند سیترا، طرح آمایش سرزمین (روستایی)، بتل، ستکوپ، آبکا و گروه مشاوران آف. آم. سی، مطرح شد که هیچ کدام از این طرح‌ها اجرایی نشد. (میسرا، ۱۳۵۲: ۸۷).

رهاورد اقدامات و برنامه‌های دولت گذشته در طول پنج برنامه عمرانی کشور در این عبارت خلاصه می‌گردد که از قابلیت‌های نهفته و منابع موجود در روستاها استفاده شایسته و بایسته‌ای نشد و در اغلب موارد سهم بسیار بالایی از توان‌ها به هدر رفته و یا بلا تکلیف مانده است. نمود چنین شرایطی را می‌توان در سهم اعتبارات عمرانی کشاورزی



چالش‌های عمده توسعه روستایی (مطالعه موردی استان کردستان) ۱۳۳

دید که از ۲۸ درصد در برنامه اول به ۷/۵ درصد در برنامه پنجم کاهش یافت (آسایش ۱۳۷۵:۴۹).

پس از انقلاب اسلامی، برنامه ریزی توسعه اقتصادی اجتماعی کشور با یک دهه تاخیر آغاز شد، که غالباً دارای بار مذهبی بود. از مهمترین اقدامات انجام شده، محرومیت زدایی از طریق تاسیس هیأت‌های هفت نفره واگذاری اراضی بود که در سال ۱۳۵۹ به منظور تقسیم اراضی در میان کشاورزان فقیر انجام شد. در سال ۱۳۷۱ از سوی شورای عالی اداری سازمان اصلاحات ارضی در ستاد مرکزی هیأت‌های هفت نفره واگذاری و احیای اراضی ادغام و سازمانی با عنوان سازمان امور ارضی تشکیل شد. دومین حرکت در مسیر عمران و آبادی روستاها با حکم رهبر انقلاب جهاد سازندگی در سال ۱۳۵۸ تشکیل گردید که قسمت اعظم فعالیت‌های این سازمان در مناطق و آبادی‌های محروم کشور متمرکز گردید. «این نهاد خود جوش بیشتر فعالیت‌های او بر مسکن سازی برای قشر کم درآمد، ساختن راه روستایی و توسعه خدمات مانند برق و آب لوله کشی بود. در بعد اجتماعی مرکز هماهنگی شوراهای اسلامی تحت مدیریت جهاد سازندگی شکل گرفت (جهانی، ۱۳۷۵:۸۲).

از جمله نهادهای دیگر مرتبط با روستا را می‌توان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شورای‌های اسلامی، مراکز خدمات کشاورزی، روستایی و عشایری و.. نام برد که اکثر آنها در زمینه عمران روستایی فعالیت‌هایی را انجام داده‌اند (مطیعی، ۱۳۸۲:۵۲).

به طور کلی، پس از انقلاب اسلامی برنامه‌های توسعه روستایی در کشور بیشتر دارای رویکرد درون‌زا و متأثر از دیدگاه‌های مذهبی در زمینه‌های مساوات طلبی و عدالت اجتماعی، اقتصادی بوده است. غالب برنامه ریزان توسعه کشور معتقدند که توسعه نیافتگی کشور ایران با سیستم برنامه ریزی توسعه روستایی در ارتباط است (افراخته، ۱۳۸۵:۱۶۰).  
جمع‌بندی کلی از رویکردهای حاکم بر توسعه روستایی طی نیم قرن اخیر، از موارد زیر اشاره کرد:

- ۱- رویکرد بوم شناختی که از اواخر دهه ۱۳۲۰ تا دهه ۱۳۴۰ طی دو برنامه اول و دوم بر نظام برنامه ریزی کشور حاکم بوده.
- ۲- رویکرد اقتصادی که از دهه ۱۳۴۰ آغاز گردیده است.
- ۳- رویکرد اجتماعی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۶۰ بر کشور حاکم بوده است.
- ۴- رویکرد چهارم مبتنی بر فضایی کردن برنامه ریزی که از سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ مورد توجه مسؤولان قرار گرفته است (آسایش، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

### نتایج بحث:

توجه به تحولات و رویکردهای مربوط به توسعه روستایی ایران و تحلیل وضعیت موجود توسعه روستایی در استان کردستان، نشان می‌دهد که از نظر تحصیلی کارشناسان جامعه آماری از میان ۴۱ کارشناس استان ۷ درصد آنها دارای مدرک تحصیلی دکترا، ۱۷ درصد فوق لیسانس، ۳۷ درصد کارشناس و ۳۹ درصد زیر لیسانس بوده، اما بیش از ۲۰ سال سابقه خدمت داشته‌اند. کارشناسان در سازمان‌های جهاد کشاورزی، بنیاد مسکن، استانداری در بخش امور سیاسی (دهدار، بخشدار و...) و معاونت امور برنامه ریزی (سازمان مدیریت و برنامه ریزی سابق) مشغول فعالیت بوده‌اند.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های تحصیلی کارشناسان جامعه آماری

دکتری	فوق لیسانس	لیسانس	زیر لیسانس
۳	۷	۱۵	۱۶
۰/۰۷	۰/۰۱۷	۰/۳۷	۰/۳۹

یافته های تحقیق

در تحلیل داده‌ها از تکنیک تحلیل عاملی استفاده و مقدار KMO معادل ۰/۶۹ و آزمون بارتلت ۲/۲۶۹۴ و سطح معناداری آن ۱ درصد بوده که مبین مناسب بودن داده‌هاست. در همین تکنیک تحلیل عاملی از ۴۸ چالش مورد بررسی، فقط ۳۳ چالش در

چالش‌های عمده توسعه روستایی (مطالعه موردی استان کردستان) ۱۳۵

پنج نوع شاخص طبقه بندی شده اند. که براین اساس، رقم ۷۳/۸ درصد از واریانس، توصیف و مقادیر آن در جدول شماره ۲ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۲ مقدار ویژه، واریانس و درصد تجمعی عوامل موثر

فاکتورها	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
اقتصادی	۵/۹۱۲	۱۳/۲	۱۳/۲
مدیریتی و برنامه ریزی	۷/۷۵۶	۲۲/۳	۳۵/۵
اکولوژیک	۶/۹۸۴	۱۵/۳	۵۰/۳
اجتماعی	۳/۳۱۱	۱۱/۲	۶۱/۲
فیزیکی - کالبدی	۴/۴۵۰	۱۱/۸	۷۳/۸

براساس جدول شماره ۲ بار عاملی در بخش اقتصادی سطح درآمد روستایی (۰/۸۹)، فقر روستایی (۰/۸۶)، محدودیت کشت (۰/۸۵)، کمبود ماشین آلات کشاورزی (۰/۸۰)، محدودیت سرمایه گذاری (۰/۸۴)، نبود زیر ساخت‌های مناسب توسعه (۰/۷۴)، دسترسی محدود به بازار (۰/۷۴)، بازدهی کم محصولات (۰/۷۸) تخصیص کم بودجه عمران روستایی (۰/۷۱). در مجموع، شاخص‌های مربوط به بخش اقتصادی ۱۳/۲ از واریانس کل را بیان می‌کند. از مباحث مذکور می‌توان استنتاج نمود که عامل پایین بودن درآمد و فقر حاکم بر روستا بیش از سایر عوامل تاثیرگذار بوده است. این دو عامل تاثیرات مستقیمی بر سایر عوامل گذاشته‌اند و براینکه آن را در مهاجرت‌های روستایی آشکارا می‌توان مشاهده کرد.

عامل دوم در بخش مدیریتی و برنامه ریزی در این بخش، مداخله سازمان‌های مختلف در توسعه روستایی با ضریب (۰/۶۴)، ضعف مشارکت مردم در پشتیبانی پروژه‌های عمرانی (۰/۷۵)، فقدان هماهنگی سیاست‌ها و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی (۰/۷۹)،

فقدان ایده منسجم و عملی (۰/۶۹)، بی توجهی به امور روستا (۰/۶۰). که در مجموع شاخص‌های مدیریتی و برنامه ریزی ۲۲/۳ درصد از کل واریانس را به خود اختصاص داده است. دو فاکتور ناهماهنگی در سیاست‌ها و راهبردها از یک طرف و ضعف مشارکت مردم در طرح‌ها و پروژهای اجرایی، از مهمترین عامل‌های تاثیر گذار در این بخش بوده‌اند.

عامل سوم در بخش محیطی و اکولوژیک: بهره‌گیری از تکنولوژی سنتی (۰/۷۹)، بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آبی (۰/۶۵)، فقدان توازن بین جمعیت و منابع طبیعی (۰/۶۷)، فقدان توازن بین دام با مراتع (۰/۶۹)، توپوگرافی خشن مناطق روستایی (۰/۸۱)، تغییر کاربری مراتع به زمین‌های زراعی (۰/۸۲)، در مجموع، شاخص‌های مربوط به بخش محیطی و اکولوژیک ۱۵/۱ درصد کل واریانس را در بر گرفته است. در این راستا، منابع آماری نشان می‌دهد که ۸۵ درصد مساحت استان کردستان کوهستانی و کوهپایه‌ای است (سالنامه آماری، ۱۳۸۵: ۱۲). از نظر شیب بیش از ۶۵ درصد مساحت استان دارای شیب بیش از ۳۰ درصد است (فرهودی، ۱۳۷۳: ۶۵). بنابراین، محدودیت‌های طبیعی (مانند کمبود خاک زراعی، محدودیت فضا برای ساخت مسکن و شرایط اقلیمی سرد و خشک) می‌توانند به عنوان عوامل باز دارنده در فرایند توسعه مناطق روستایی نقش ایفا کنند.

عامل چهارم بخش اجتماعی: کمبود فرصت‌های شغلی (۰/۵۹)، پائین بودن سطح سواد روستا (۰/۷۸)، بالا بودن نرخ رشد جمعیت روستایی (۰/۵۸)، پراکندگی و تعداد جمعیت (۰/۶۷)، کمبود امکانات و خدمات روستایی (۰/۷۷) فقدان راهبرد مناسب برای توسعه صنایع روستایی (۰/۷۴)، فقدان توجه به دانش بومی در توسعه روستایی (۰/۵۴) بالا بودن نرخ بیکاری در روستا (۰/۷۷)، و کمبود مراکز بهداشت و درمان (۰/۷۶)، شاخص‌های مربوط به بخش اجتماعی ۱۱/۲ درصد از کل واریانس را تشکیل می‌دهد. در این میان، دو عامل پایین بودن سطح سواد و کمبود خدمات دولتی بیش از همه مورد توجه کارشناسان برنامه ریزی بوده است.

عامل پنجم در بخش کالبدی و فیزیکی : ضعف زیرساخت‌ها(راه، پل، برق و ... (۰/۷۸)، ضعف سکونتگاه‌های روستایی در برابر زلزله (۰/۹۱)، عدم سازماندهی فضایی مناسب مراکز دهستان‌ها (۰/۶۵) کمبود مصالح مقاوم و کوچک بودن سکونتگاه‌های روستایی (۰/۸۸). شاخص‌های مربوط به بخش فیزیکی و کالبدی ۱۱/۸ درصد کل واریانس را به خود اختصاص داده است.

مورفولوژی سکونتگاه‌های روستایی ناحیه مطالعاتی در دره‌های کوهستانی به صورت پلکانی، و خشکه چین سنگی و گلی ساخته شده اند. نظرات کارشناسان در بخش مسکن مورد سنجش قرار گرفته، یافته‌های آن نشان می‌دهد، با توجه به موقعیت گسل سنندج-سیرجان در استان کردستان، دو عامل مقاومت پذیری کم ساختمان‌ها در برابر زلزله و همچنین، استفاده از مصالح غیر مقاوم از مهمترین چالش‌ها در بخش کالبدی- فیزیکی هستند.

همچنین یافته‌های بخش مسکن روستایی استان کردستان نشان می‌دهد از نظر نوع مصالح به کار رفته در ساخت مسکن، ۶۸ درصد از نوع مصالح بومی، ۷ درصد از مصالح غیر بومی، و ۲۵ درصد از مصالح ترکیبی استفاده کرده اند. به عبارتی، چنانچه بخواهیم ضریب مقاومت آنها را در برابر زلزله نشان دهیم، ۲۱/۳ درصد از سکونتگاه‌های روستایی فاقد پی و ۶۴ درصد دارای پی سنگی هستند که اغلب خشکه چین‌اند و ۱۸ درصد دیگر سکونتگاه‌ها فاقد کرسی چینی هستند. از نظر سازه ۹۷/۸ درصد از سکونتگاه‌های روستایی از نوع سازه بنایی ساخته شده اند(بنیاد مسکن: ۱۳۸۲: ۴۶).

مطالعه‌ای تطبیقی که دوره ساخت مسکن روستایی استان کردستان با کل مناطق روستایی کشور در جدول شاره ۳ نشان داده شده، روشن شده است که ۵۴ درصد از سکونتگاه‌های روستایی استان کردستان، بیش از ۲۵ سال قدمت دارند، در حالی که این عدد برای کل کشور در حدود ۵۰ درصد است. از طرف دیگر، ساختمان‌های نوساز کمتر از ۵ سال در استان کردستان معادل ۶/۷ درصد کل سکونتگاه‌های روستایی است و این رقم برای

کل کشور معادل ۱۰ درصد است. چنین وضعیتی حکایت از فرسودگی سکونتگاه‌ها و ضعف بنیه مالی روستاییان در ساخت و نوسازی مسکن دارد.

جدول ۳- مقایسه واحد مسکونی استان کردستان و کشور بر حسب دوره ساخت آنها/۱۳۸۲

	کمتر از ۵	۵-۹	۱۰-۱۵	۱۵-۲۰	۲۰-۲۵	+۲۵
استان	۶/۷	۱۱	۱۳/۳	۱۵/۱۸	۱۱/۵	۴۲/۳۲
کشور	۱۰	۱۲/۶	۱۴/۳۵	۱۳/۲	۱۴/۷۵	۳۵/۱

ماخذ: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی: ص ۴۶-۴۴

نکته دومی که کارشناسان بر آن تأکید داشتند، مشکل زیر ساخت‌ها، از آن جمله شبکه حمل و نقل است. اهمیت حمل و نقل از آن جهت اهمیت دارد که از ارکان اصلی هر اقتصادی بوده، و بدون بهره مندی صحیح از آن، داشتن اقتصادی پویا و سالم امکان پذیر نیست. بنابراین، اگر شیوه ارائه خدمات حمل و نقل در زمینه جابه‌جایی مواد اولیه و خام، کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز بخش‌های تولیدی و نیز عرضه محصولات تولیدی به بازار مصرف مطلوب نباشد، رکود در فعالیت‌های اقتصادی حتمی خواهد بود. به همین دلیل، متخصصان مسائل حمل و نقل معتقدند بین کارایی در بخش حمل و نقل و کارایی عمومی اقتصاد همبستگی بالایی وجود دارد. به همین علت، حمل و نقل را به عنوان واسطه فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، خدماتی در سطح ملی و بین‌المللی بیان می‌کنند (ساسان، ۱۳۶۵: ۱۲۵).

منابع آماری در این بخش چندان رضایت بخش نبوده؛ بطوری که بیش از ۶۴ درصد از راه‌های ارتباط روستایی خاکی، ۱۸ درصد جاده شوسه درجه ۳، نزدیک به ۱۱ درصد شوسه درجه ۲ و ۷ درصد روستاهای استان دارای جاده آسفالت هستند. عامل مهم در این راستا، نزدیکی آبادی‌ها در محور اصلی شبکه ارتباط بین شهری است (اداره کل راه و ترابری استان کردستان، ۱۳۸۵).

جدول (۴) نام شاخص ، چالش‌های مربوطه هر عامل و بارهای عاملی

نوع چالش	زیر مجموعه چالش	بارهای عاملی
اقتصادی	سطح درآمد	۰/۸۹
	فقر روستایی	۰/۸۶
	محدودیت کشت	۰/۸۵
	کمبود ماشین آلات کشاورزی	۰/۸۰
	محدودیت سرمایه گذاری	۰/۸۴
	عدم زیر ساخت‌های مناسب توسعه	۰/۷۴
	دسترسی محدود به بازار محصولات کشاورزی	۰/۷۴
	بازدهی کم محصولات	۰/۷۸
	تخصیص کم بودجه عمران روستایی	۰/۷۱
مدیریتی و برنامه ریزی	مداخله سازمانهای مختلف در توسعه روستایی	۰/۶۴
	فقدان یک ایده منسجم و عملی برای توسعه روستا	۰/۶۹
	ضعف مشارکت مردم در پشتیبانی پروژه‌های عمرانی	۰/۷۵
	فقدان هماهنگی سیاستها و اجرای برنامه‌های توسعه روستایی	۰/۷۹
	بی توجهی به امور روستا از سوی مدیران	۰/۶۰
محیطی و اکولوژیک	بهره گیری از تکنولوژی سنتی	۰/۷۹
	بهره برداری بی رویه از منابع آبی	۰/۶۵
	فقدان توازن بین جمعیت و منابع طبیعی	۰/۶۷
	فقدان توازن بین دام با مراتع	۰/۶۹
	توپوگرافی خشن مناطق روستایی	۰/۸۱
	تغییر کاربری مراتع به زمین‌های زراعی	۰/۸۲
اجتماعی	کمبود فرصتهای شغلی	۰/۵۹
	پایین بودن سطح سواد روستا	۰/۷۸
	بالا بودن نرخ رشد جمعیت روستایی	۰/۵۸
	کمبود امکانات و خدمات روستایی	۰/۷۷
	فقدان راهبرد مناسب برای توسعه صنایع روستایی	۰/۷۴
	فقدان توجه به دانش بومی در توسعه روستایی	۰/۵۴
	بالا بودن نرخ بیکاری در روستا	۰/۷۷
	مشکلات بهداشتی روستا	۰/۷۶
	پراکندگی فضایی و کمی جمعیت روستاها	۰/۶۷
کالبدی - فیزیکی	ضعف زیر ساخت‌ها (راه، پل ، برق و..)	۰/۷۸
	ضعف سکونتگاه‌های روستایی در برابر زلزله	۰/۹۱
	عدم سازماندهی فضایی مناسب مراکز دهستانها	۰/۶۵
	کمبود مصالح مقاوم و کوچک بودن سکونتگاههای روستایی	۰/۸۸

### نتیجه گیری:

امروزه هرچند در نتیجه توسعه فناوری و ارتباطات، تغییراتی در فضای کارکردی سکونت‌گاه‌های روستایی به وجود آمده و موجب بهبود نسبی شرایط زندگی روستاییان شده است، ولی نکته مهم این است که راهی طولانی برای رسیدن به توسعه پایدار در پیش داریم. روستاهای استان کردستان با چالش‌های عمده‌ای در حوزه‌های مختلف یاد شده برای دستیابی به توسعه پایدار روبه‌رو هستند. از مهمترین چالش‌های برنامه ریزی توسعه روستایی، به ترتیب اولویت می‌توان در چند بخش مختلف از آن جمله در بخش اقتصادی (بار عاملی ۰/۸۰) به کمبود درآمد و فقر، در بخش کالبدی و فیزیکی با ضریب عاملی (۰/۸۰) ضعف سکونتگاه‌ها در برابر زلزله، و کمبود مصالح مقاوم و همچنین ضعف زیر ساخت‌ها؛ در بخش محیطی و اکولوژیک (۰/۷۴) که در برگیرنده محدودیت‌های طبیعی از قبیل ارتفاع زیاد، شیب تند زمین، و فقدان توازن بین دام و مرتع است؛ در بخش مدیریتی و برنامه ریزی (۰/۷۰) به فقدان سیاست منطقی در برابر روستا و ضعف مشارکت مردم. در بخش اجتماعی (۰/۶۹) به کمبود خدمات دولتی و بالا بودن نرخ بیکاری، اشاره نمود. بنابراین، برای رسیدن به توسعه مطلوب در استان کردستان، در وهله اول نیازمند گسترش ساختارهایی قبیل زیر ساخت‌های ارتباطی هستیم که زمینه‌ساز توسعه هستند. در بعد مسائل انسانی: حفظ کرامت انسانی، استفاده از دانش بومی و مشارکت روستاها در مراحل مختلف تهیه برنامه، اجرا، نگهداری از طرحها و بالاخره مشارکت نهادهای دولتی در بازسازی و نوسازی سکونت‌گاه‌های روستایی از ضروریات است.



منابع:

- ۱- آسایش، حسین. (۱۳۷۵). برنامه ریزی روستایی ایران، ناشر دانشگاه پیام نور،
- ۲- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۰). جایگاه روستا در برنامه ریزی‌های کلان، جزوه دوره دکتری، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- ۳- اشرفی، احمد. (۱۳۶۱). مسائل ارضی ایران، تهران، موسسه انتشارات آگاه، تهران
- ۴- اداره راه و ترابری استان کردستان. (۱۳۸۵). نقشه راه روستایی. سنندج.
- ۵- ازکیا، مصطفی. (۱۳۷۰). جامعه‌شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستاهای ایران، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ سوم.
- ۶- افرخته، حسن. (۱۳۸۵). «نقش ادارک محیطی در توسعه نیافتگی روستایی مطالعه موردی شهرستان فومن»، جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره ۸، زاهدان.
- ۷- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. (۱۳۸۲). شناخت ویژگی‌های مسکن روستایی. تهران.
- ۸- پاپلی یزدی، محمد حسین، ابراهیمی، محمد امیر. (۱۳۸۱). نظریه‌های توسعه روستایی، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- تریکار، ژان. (۱۳۷۱). مسائل توسعه روستایی، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، تهران، نشر نی.
- ۱۰- تودارو، مایکل. (۱۳۷۸). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی توسعه،
- ۱۱- توفیق، فیروز. (۱۳۵۹). درآمدی بر برنامه ریزی اقتصادی با نگاهی به وضع ایران، مجموعه آموزش توسعه، تهران.
- ۱۲- جهانی، مهدی. (۱۳۷۵). «برنامه‌ریزی روستایی در ایران»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، مشهد، ش ۴۰، بهار ۱۳۷۵
- ۱۳- حاج یوسفی، علی. (۱۳۸۰). «برنامه ریزی منطقه‌ای در ایران از آغاز تا دهه ۱۳۵۰»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۶ تهران.
- ۱۴- سالنامه آماری. (۱۳۸۵). معاونت برنامه‌ریزی استانداری استان کردستان، سال چاپ ۱۳۸۶. سنندج.
- ۱۵- ساسان، عبدالحسین. (۱۳۶۵). اقتصاد حمل و نقل، نشر جهاد دانشگاهی اصفهان،
- ۱۶- صیدایی، سید اسکندر. (۱۳۸۳). «مشکلات و تنگناهای توسعه روستایی در ایران»، دهمین کنگره جغرافیا، ناشر دانشگاه امام حسین.
- ۱۷- فرهودی، رحمت الله. (۱۳۷۱). «اطلس شیب ایران»، پژوهش‌های جغرافیایی، ش ۲۹، سال بیست و چهارم، تهران.
- ۱۸- کلانتری، خلیل، ایروانی، وفایی نژاد. (۱۳۸۵). «چالش‌های توسعه»، مجله علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان، سال دوم، ش چهارم.
- ۱۹- مطیعی لنگرودی، حسن. برنامه ریزی روستایی با تاکید بر ایران، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، (۱۳۸۲).

۲۰- مهندسان مشاور D.H.V از هلند. (۱۳۷۵). ترجمه سید جواد میر، ناصر اوکتابی، مهدی گنجیان. رهنمودهایی برای برنامه‌ریزی مراکز روستایی، جلد اول، سلسله انتشارات روستا و توسعه ش ۱۰، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی جهاد سازندگی، تهران،

۲۱- میسرا، آر، پی. (۱۳۵۲). شناخت روش برنامه‌ریزی مکانی برای عمران روستایی در ایران، سازمان برنامه و بودجه، تهران.

۲۲- مهدوی حاجیلویی، مسعود. (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی ایران، تهران، انتشارات سمت.

23-world Bank (2006).org/wbi/source book/sba2.htm.